

پرونده شماره ۹۸

شعبه دو

حکم شماره :

ها رزا انجینیرینگ کامینی،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۱ / ۱۰ / ۹ 30 DEC. 1982
No.	۹۸ ۹۱

حکم

شماره : ۱۹ - ۹۸ - ۲

حاضران :

از طرف خواهان : آقای جری آنکر

آقای مارکان . براوین، وکیل

از دارالوکیل والد ها رکرا در اندراس ،

از طرف خوانده : آقای محسن محبی

آقای علی امین پور

آقای اکبر ا . کاشان

نمایندگان بانک ملی ایران

آقای محمدکریم اشراق

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

دکتر اکبر شیرازی

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

### بخش اول - جریان رسیدگی

خواهان، هارزا انجینیرینگ کامپنی (که از این به بعد "هارزا" خوانده می شود) در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه دولت ایران، منجمله بانک ملی و بانک ایرانیان (که بانک تجارت جانشین ذینفع آن است) به ثبت رساند. میزان خواسته مورد نظر خواهان، پرداخت مبلغ ۳۳۵،۱۰۱/۴۴ دلار امریکا است که عبارت از ارزش جمع مانده اعتبار حسابهای آن نزد دو بانک یاد شده است که بنا به ادعای خواهان صادره گردیده است.

بانک ملی ایران در ۱۵ مارس ۱۹۸۲ (۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰) لایحه دفاعیه خود را به ثبت رساند، بانک تجارت نیز در ۲۰ آوریل ۱۹۸۲ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۱) لایحه دفاعیه، به انضمام ادعای متقابل خود را در اثر برپرداخت ۴۸۵،۵۱۳/۱۲ دلار امریکا بابت ارزش اعتبارنامه ها ثبت کرد.

دولت ایران دفاعیه ای ثبت ننموده است.

جلسه استماع مقدماتی در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۸۳ (۶ خرداد ماه ۱۳۶۱) تشکیل شد. طرفین بعداً "مدارک و مستندات خود را تسلیم کردند.

جلسه استماع در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۶ مهر ماه ۱۳۶۱) برگزار گردید. تذکات ریه های بعد از استماع متعاقباً "توسط خواهان و بانک ملی تسلیم شد.

### بخش دوم - استدلالات طرفین

هارزا مدعی است که تابعیت ایالات متحده را داشته و از ژوئن ۱۹۶۶ (خرداد - تیر ماه ۱۳۴۵) تا مارس ۱۹۷۸ (اسفند ماه ۱۳۵۷ - فروردین ماه ۱۳۵۸)، مطابق قراردادی که با وزارت نیروی ایران منعقد کرده بود، بابت بخشی از طرح توسعه منابع نیروی برق در ایران، سمت مهندسی مشاور و راهنمایی را داشته است. هارزا به منظور تسهیل عملیات خود در رابطه با این کار، اقدام به افتتاح دو حساب جاری ریالی کرد که حق الزحمه های دریافتی بابت طرح را به این حسابها واریز می نمود و تعهدات مالی خود در ایران را هم از محل این حسابها پرداخت می کرد و جوهی نیز به اداره مرکزی خود در ایالات متحده منتقل می ساخت. یکی از این حسابها در بانک ملی ایران و دومی در بانک ایرانیان افتتاح شده بود، که بعداً "طبق تصویب نامه دولت بعد از انقلاب، همراه با بانک اعتبارات ایران و سایر بانکها در بانک جدید تجارت ادغام گردید.

در سال ۱۹۷۹ (۵۸ - ۱۳۵۷)، ها رزا در جریان تصفیه عملیات خود در ایران در چهار رنویت کوش کرد که تعهدات خود در ایران را با صدور چک به عهده حساب خود در بانک ملی، پرداخت نماید. در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۹ (۲۳ اسفندماه ۱۳۵۷) چکی به مبلغ -/۱,۹۶۰,۹۲۰ ریال در وجه وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و توسط شخصی بنام جرج پایج دبیر و خزانة دارها رزا امضاء گردید. هنگام ارائه چک به بانک، به عنوان اینکه کارت امضائی به نام آقای پایج در بانک وجود ندارد و لذا تا شنیدامضاء مقدر نیست، بانک از پرداخت آن خودداری کرد. در آوریل ۱۹۷۹ (فروردینماه ۱۳۵۸) چک دیگری به جای چک قبلی به مبلغ -/۱,۹۶۰,۹۲۰ ریال در وجه همان گیرنده به امضای شخصی به نام دابلیو. پی. لبر، مدیر تصفیه رسمی عملیات ها رزا در ایران صادر گردید. مجدداً، هنگام ارائه چک به عنوان عدم وجود کارت امضاء به نام آقای لبر، از پرداخت آن خودداری شد.

در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۲ آذرماه ۱۳۵۸)، آقای لبر و نوشت آگهی مندرج در روزنامه رسمی، دایراً اعلان انتصاب وی به عنوان مدیر تصفیه، به انضمام نامه‌ای به امضای خود را که در آن به بانک اجازه پرداخت چک‌های صادره به امضای نامبرده را می‌داد، برای وکیل ها رزا در تهران فرستاد. آقای لبر از وکیل خواهش کرد که مدارک مزبور را به بانک ارسال نماید. در همان روز، چک سومی به مبلغ -/۲۳۱,۳۱۳ ریال، این بار در وجه وکیل ایرانی ها رزا، به امضای آقای لبر صادر گردید. بعداً، چک چهارمی به مبلغ -/۱,۹۶۰,۹۲۰ ریال به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۶ آذرماه ۱۳۵۸) به امضای آقای لبر به عنوان کوشش دیگری جهت تأدیه وجه وزارت امور اقتصادی و دارائی صادر شد. این دو فقره چک نیز به همان دلایل مذکور در فوق پرداخت نگردید.

سپس، ها رزا سعی کرد که جهت رفع ایرادات بانک در تأیید امضای آقای لبر کارت‌های رسمی نمونه امضاء را امضاء نماید. طبق دستورالعمل‌های دقیق یکی از متصدیان بانک ملی کارتهای امضاء تکمیل و امضای آقای لبر توسط بانک اصلی (نگاهدارنده حسابهای) ها رزا در ایالات متحده تصدیق گردید و کارت‌ها به بانک ملی ارسال و توسط آن بانک دریافت شد.

در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفندماه ۱۳۵۸) علی‌رغم رعایت دستورالعمل‌های بانک در این مورد، بانک به وکیل ایرانی ها رزا اطلاع داد که حتی این اقدامات هم‌کافی نبوده و باید امضای آقای لبر را کنسولگری ایران نیز تأیید نماید. در این مرحله، یعنی تقریباً "یک سال بعد از اولین اقدام برای وصول وجه از حساب بانک ملی، ها رزا به این نتیجه رسید که حساب از هسر

حيث مسدود شده و لذا از سعی بیشتر در استفاده از وجوه خود دست شست . باید متذکر شد که طی رسیدگی حاضر، بانک ملی اعلام کرده است که اکنون امضای آقای لبر را می پذیرد، ولی از هنگام دریافت امضاء در ژانویه ۱۹۸۰ (دیماه ۱۳۵۸) هیچگونه چکی ارائه نشده است . خواهان مدارکی ارائه کرده است مبنی بر اینکه بانک تا آوریل ۱۹۸۰ هم از قبول امضای آقای لبر امتناع می کرد .

ها رزا مدعی است که اقدامات بانک ملی با صواب بوده و در حکم صادره وجوه موجود در حساب شرکت توسط جمهوری اسلامی از طریق مداخله مستقیم و مکرر در استفاده و تمتع از دارایی آن شرکت و نقض عهدنامه مودت، روابط اقتصادی، و حقوق کنسولی مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۱) ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۴ ("عهدنامه مودت") و اصول حقوق بین الملل محسوب می شود . بعلاوه، بنا اینست که ها رزا اقدامی در مورد برداشت از حساب خود در بانک تجارت به عمل نیاورده، معذ لک مدعی است که اقدامات بانک ملی نمایانگر سیاست کلی دولت در مسدود کردن حسابهای بانکی آن شرکت و شاید حساب های شرکت های امریکائی بوده، و بنا بر این، از حساب آن شرکت در بانک تجارت هم بهمین ترتیب سلب مالکیت شده است .

ها رزا طالب صدور حکمی به میزان معادل دلاری موجودی قطعی اش در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۹ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷) در حسابهای بانک ملی و بانک تجارت آن شرکت به ترتیب به مبلغ ۳۳۰,۶۳۴/۴۴ دلار و ۳,۹۵۱/۵۶ دلار است . بعلاوه، ها رزا از تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۹ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷)، یعنی تاریخ چک حاوی امضای پابلیج، تا تاریخ صدور حکم به نرخ برابر نرخ بهره وام آن شرکت مطالبه بهره می کند، و نیز خواستار هزیننه های داوری است .

خواننده، جمهوری اسلامی ایران، لایحه دفاعیه ای به ثبت نرسانده است . لیکن، بانک ملی ایران و بانک تجارت به ثبت لوایح دفاعیه، اظهاریه های تکمیلی و مدارک مستند اقدام کرده و در جلسه استماع مقدماتی مورخ ۲۷ مه ۱۹۸۲ (۶ خرداد ماه ۱۳۶۱) و جلسه استماع مورخ ۸ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۶ مهر ماه ۱۳۶۱) حضور بهم رساندند . بعلاوه، بانک تجارت اقدام به ثبت ادعای متقابلی بر اساس چند فقره اعتبارات اسنادی نموده و ها رزا را بابت آنها مدعی می شناسد .

دفاع بانک ملی، به طوری که در طی جریان رسیدگی تدریجا " تکمیل گردیده، مبتنی بر انکار این مطلب است که اقداماتش خلاف یا در حکم سلب مالکیت بوده است . اولاً، بانک ملی دعا

می‌کنند که امتناع از پرداخت چکهای صادره توسط‌ها رزابه‌آی دلیل قانونی بوده که بانک در موقع ارائه چکها مجاز نبوده که به اعتبار امضاها ی آقای پایج و آقای لبراز حساب پرداخت نماید. بانک ملی اظهار می‌دارد که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ (۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۶) کارت امضای جدیدی (باحق وکالت) در پرونده حساب ضبط گردید که مطابق آن آقای شمشاد آذری به عنوان امضاء کننده انحصاری تعیین گردید. ثانیاً، "بانک ملی منکر آن است که امتناع آن موقع بانک از قبول مساعی‌ها رزاجهت به شیت رساندن اعضای آقای لبر، به عنوان احازه و اختیار کافی جهت چکهای مورخ ۳ و ۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۲ و ۱۶ آذر ماه ۱۳۵۸)، در حکم مداخله در استفاده و بهره مندی‌ها رز از زوجش محسوب می‌شود. ثالثاً، "بانک ملی مدعی است که کماکان وجوه در اختیارها رز از قرار دارد و‌ها رز می‌توانند به استثنای مبلغی که طبق دستور مورخ ۱۷ مه ۱۹۸۱ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰) دادگاه صلح تهران در اجرای حکم صادره علیه‌ها رز تامین خواسته شده، با ارائه چکهای که به طرز صحیح صادر گردیده، از آن استفاده نمایند.

بانک تجارت نیز منکر هر نوع سلب مالکیت از تنمه حساب‌ها رز ابوده، متذکر می‌شود که‌ها رز از زمان انقلاب به بعد اقدامی در مورد استفاده از وجوه موجود در حساب به عمل نیا ورده و از هیچ اقدام قبلی نیز ممانعت به عمل نیا آمده است. بانک تجارت اظهار می‌دارد که حساب کماکان در اختیارها رز است.

بانک تجارت در ادعای متقابل خود مدعی است که شرکت مهندسی‌ها رز ابابت مبالغ بدهی طبق سی و سه فقره اعتبارنامه تضمینی که به عهده حساب‌ها رز از انجینیرینگ کامپنی اینترنشنال ("ها رز اینترنشنال")، یعنی یک شرکت لیبریائی، به عنوان بانک اعتبارات صادر گردیده، مسئول است. بانک تجارت مدعی است که به عنوان جانشین بانک اعتبارات، هر یک از اعتبارات را به نحو مقتضی مطالبه نموده ولی به دلیل اینکه موعد اعتبارات قبل از رسیدن درخواست تمديد اعتبارات بانک تجارت منقضی شده بوده، از پرداخت اعتبارات مزبور به بانک تجارت خودداری گردید. بانک تجارت چنین استدلال می‌کند که با وجود اینکه اعتبارات اسنادی به حساب‌ها رز اینترنشنال صادر گردیده، معذ لک به علت یکانگی ناشی از مالکیت مشترک بین دوشرکت، خودها رز مسئول آنها است.

مستقلاً، "ها رز ابه علت اینکه طبق شرایط بیانیه حل و فصل ادعاها، ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد، معامله یا پیش‌آمدی که از اسباب مشکله موضوع ادعا باشد، نیست به صلاحیت دیوان دآوری برای استماع ادعای مزبور ایراد دارد. در مورد اصل دعوا،‌ها رز ابه دلیل اینکه

طبق شرایط اعتبارنا مسسه فقط بانک صادرکننده می‌تواند مسئول باشد ،  
خسود را مسئول نمی‌شناسد و حتی اگر طرف حساب مسئول شناخته شود ، در صورت هارزا  
طرف حساب نیست . هارزا معتقد است که وضعیت حقوقی مجزا و مستقل دوشرکت ، هارزارا از  
هرگونه مسئولیتی که احتمالاً " برعهده هارزا اینترنشنال است ، مصون می‌دارد .

#### بخش سوم - موضوعات کلی صلاحیت

خواهان به عنوان مبنای صلاحیت دیوان داوری برای رسیدگی به دعاوی به بند ۱ ماده دوم  
بیانیه حل و فصل ادعاها که موجود دیوان داوری "به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعای اتباع  
ایالات متحده علیه ایران . . . . در صورتی که اینگونه ادعاها . . . . در تاریخ این موافقت  
نامه پابرجا بوده ، اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده یا مطرح نشده ، وناشی از دیون ، قرار  
دادهای ( شامل معاملات موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانت های بانکی ) ضبط اموال و یا هر  
اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد . . . . " است ، استناد می‌کند . دیوان داوری باید  
تعیین نماید که خواهان تبعه ایالات متحده است ، عنوان "ایران" شامل خواننده نیز می‌شود و  
موضوع ادعا مطابق با توصیف مندرج در عبارت بند یاد شده ، می‌باشد .

خواهان گواهی نامه ای از طرف مقام مسئول امور خارجه ایالت دله و ردایربرای اینکه هارزا انجینیر-  
بینگ کامپنی در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۵ ( ۶ آذر ماه ۱۳۴۹ ) طبق قوانین ایالت مزبور تاسیس و از آن  
تاریخ تا بحال موجودیت قانونی شرکت را مستمرا " حفظ کرده ، تقدیم نموده است . بعلاوه ،  
سوگندنامه دبیر شرکت هارزا مشعر بر این است که طبق اطلاع شخصی وی از سوابق سهامداران شرکت ،  
که همگی کارکنان شرکت بوده و تا بعیت آنها نثبت گردیده ، حداقل ۹۷/۳ درصد سهام سرمایه ای  
جاری شرکت طی مدت مربوط به دعاوی به اتباع ایالات متحده تعلق داشته است . همچنین  
سوگندنامه حاوی اسامی شانزده نفر از این کارکنان - سهامدارونشانیه ای آنها در ایالات  
متحده است که مجموع حق مالکیت آنها در شرکت از ۵۰ درصد سهام سرمایه ای آن متجاوز بوده  
و اتباع ایالات متحده محسوب می‌شوند .

با توجه به مدارک و ادله فوق و فقدان هرگونه ادله معارض ، دیوان داوری متقاعد شده است که  
ادعای مطروحه حاضر ادعای یک تبعه ایالات متحده در مفهوم عبارت فوق به شرح مندرج در ماده  
هفت بیانیه حل و فصل ادعاها می‌باشد .

خواهان از جمهوری اسلامی ایران به عنوان خواننده نام برده و اگر چه دولت جمهوری اسلامی

پاسخی به نام خود به ادعا نداده، با اینحال، بانک ملی ایران و بانک تجارت اقدام به پاسخگویی کرده و مدافعاتی در برابر ادعا طرح کرده‌اند. این نکته مسلم و قطعی است که این دو بانک توسط دولت ایران به وجود آمده و تنها "تحت مالکیت و کنترل وی می‌باشند و بنا بر این، باید به عنوان موسسات دولتی تلقی شوند. دولت ایران خواننده واقعی است و ادعا متوجه "ایران"، به شرح تعریف بند ۳، ماده دو بیانه حل و فصل ادعاهاست.

قید سوم صلاحیت در مورد موضوع ادعاها، در ذیل مورد بحث واقع شده است.

### بخش چهارم - ادعای مربوط به بانک ملی ایران

خواهان مدعی مسئولیت بانک ملی به دلیل سلب مالکیت بوده و همینطور، مدعی است اقداماتی صورت گرفته که بر حقوق وی نسبت به حسابهای بانکی تاثیر گذاشته است. همانطور که در بالا اشاره شد، دیوان دارای صلاحیت رسیدگی نسبت به ادعاهای ناشی از "سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر بر حقوق مالکیت"، می‌باشد. بنا بر این، اعم از اینکه مسئله سلب مالکیت یا اقدام دیگری که موثر بر حقوق مالکیت است، مطرح باشد، ادعا به روشنی در محدوده قیود موضوع بند ۱، ماده دو بیانه حل و فصل ادعاها واقع است. صرف حق پرداخت از حساب بانکی، ادعا در محدوده مفهوم بیانه حل و فصل دعاوی به شما رزمی‌آید، اما ادعای اینکه از استفاده از حساب بدون دلیل ممانعت به عمل آمده یا حساب به نحو دیگری ضبط شده، چنین ادعائی راجع وجود می‌آورد.

حسب معمول، عدم پرداخت بدون دلیل مبالغ مورد تقاضا از یک حساب جاری سبب ایجاد ادعای ساده‌ای مبنی بر نقض قرارداد می‌شود، که جبران خسارات آن محدود به زیان اثبات شده ناشی از برگشت می‌باشد. معذا، در اینجا، خواهان به علت عدم پرداخت چکهای خاصی ادعای خسارت نمی‌کند، بلکه مدعی است که نحوه رفتار بانک ملی در برگشت چهار فقره چک و ایجاد موانع غیرموجه در برابر کوششهای خواهان جهت معرفی و ثبت امضای شخصی مجاز برای برداشت وجه از حسابش در حکم سلب مالکیت از جوجه حساب محسوب می‌شود.

نظر خواهان در این مورد صحیح است که اگر چنانچه دولتی به طور ناموجه در استفاذه از اموال مداخله نماید، حتی در صورت عدم ملی کردن یا سلب مالکیت رسمی، این عمل طبق حقوق بین الملل ضبط اموال محسوب می‌گردد. (۲) لیکن، در پرونده حاضر تعیین اینکه میزان مداخله باید تا چه حد نامعقول باشد که صورت ضبط اموال را پیدا کند، ضروری نیست زیرا خواهان ثابت نکرده که

---

(۲) عبارت "سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" در حقوق بین الملل معنی

اقدام بانک ملی مداخله نامعقول بوده است. در واقع، مدارک و ادله فقط نشان می‌دهد که چک اول به ناحق برگشت داده شده و از پرداخت چک دوم به حق خودداری گردیده است. مدارک مربوط به چک های سوم و چهارم غیر قاطع است و دیوان داور نمی‌تواند بر اساس آنها نتیجه‌گیری کند که برگشت چکها خلاف بوده است. بعلاوه، مدارک موبد این نتیجه‌گیری نیست که قصد بانک محروم کردن خواهان از حق استفاده از حسابش بوده است. با اینکه بانک حجتاً تأیید امضای نماینده مجاز جدید شرایطی قائل شده که احراز آنها تحت شرایط موجود در آن زمان مشکل بوده لیکن مدارک تسلیمی قادر به اثبات این مسئله نیست که شرایط مذکور نامعقول یا حتی مغایر با روش مستداول بانکداری در ایران بوده است.

این استنتاج ها بر تجزیه و تحلیل هریک از نقل و انتقالات به شرح زیر، مبتنی است :  
اولاً، چک حاوی امضای پایبیج به تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۲۹ (۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷) به طوری که مدارک ابرازی خواهان نشان می‌دهد، علی‌رغم این واقعیت که آقای پایبیج حق امضای چکها را داشته و کارت حاوی نمونه امضای وی در بانک ملی موجود بوده، به علت امضای نادرست برگشت شده است. مدارک مزبور حاکی است که نام آقای پایبیج رسماً " به عنوان امضاء کننده مجاز برای کلیه اسناد حساب ها رزاد بانک ایرانیا ن در دفتر ثبت شرکتها ثبت و مراتب در روزنامه رسمی مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ (۲ آبان ماه ۱۳۴۷) نیز اعلام شده بوده است. بعلاوه، آقای پایبیج کارت نمونه امضای بانک ملی را تکمیل و در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۶۹ (۲۶ دی ماه ۱۳۴۷) به مدیر عامل پروژه ها رزاد در ایران ارسال کرده است. اینکه کارت نمونه امضاء مزبور به بانک فرستاده شده با این واقعیت تا شید می‌شود که این کارت جهت معرفی امضای مدیر عامل نیز مورد

بقیه پاورقی (۲)

Christie, What Constitutes a Taking of Property Under International Law, (1962) British yearbook of International Law 307; Draft Conv. On Responsibilities of States for Injuries to Aliens, Article 10(3), reprinted in 55 American Journal of International Law 545,553 (1961), 8 Whiteman, Digest of International Law 1006-1020 (1967); The Measures Taken by the Indonesian Government Against Netherlands Enterprises, 5 Netherland International Law Review, 227,242 (1958).



استفاده قرار گرفته است. امضا آقای پایبیج حداقل در یک مورد قبلی که ضمن آن حق امضای یک مدیرعامل، براساس وکالت نامه حاوی امضای آقای پایبیج مورد قبول واقع شده بود، توسط بانک ملی به عنوان امضای معتبر پذیرفته شد. هنگامی که طی جلسه استماع سؤال شد که کارت نمونه امضای آقای پایبیج در سوابق بانک ملی موجود بوده یا خیر، نماینده بانک جواب داد که این امر کاملاً "محتمل بوده اما کارتها نمونه امضای بعدی بهر حال کارت قبلی را بی اعتبار می ساخته است. نماینده بانک اظهار داشت که تنها کارت معتبر موجود در مدت زمان مربوطه کارت نمونه امضای آقای آذری بوده که وکالت نامه آن توسط آقای پایبیج امضا شده است. معذا، هیچ گونه دلیل و مدرکی که نشان دهد حق امضای قبلی آقای پایبیج فسخ شده بوده ارائه نگردیده است. بنابراین، بانک موظف بوده است که چک آقای پایبیج را پرداخت کند و امتناع بانک از این کار، خلاف بوده است. معذا، مدارک موجود به قدر کافی گویا نیست که دیوان بتواند براساس آن استنتاج کند که امتناع مزبور به علت قصور صرف دریافتن کارت قبلی بوده است - یعنی روش معمول جایگزین کارتها قبلی توسط کارتها جدید - یا یک عمل آگاهانه جهت ممانعت از استفاده از حسابش.

از سوی دیگر، برگشت اولین چک حاوی امضای لبر به تاریخ آوریل ۱۹۷۹ (فروردین - اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) به روشنی عمل خلافی نبوده است. هر زاحتی مدعی این نیست که در هنگام ارائه این چک نمونه امضای آقای لبر قبلاً به بانک ملی ارائه شده بوده و بانک ملی به درستی اظهار می دارد که چنانچه در چنین اوضاعی چک را پرداخت می کرد در برابر دارنده حساب مسئول بود.

اینکه آیا برگشت چکهای دوم و سوم حاوی امضای لبر به ترتیب، به تاریخهای ۳ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸) و ۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۶ آذر ماه ۱۳۵۸)، عمل خلافی بوده یا نه، مشکل بتوان تعیین کرد. گواهی حق امضای آقای لبر همراه با نمونه امضای وی به مشاوران وزارت تهران فرستاده شد تا همراه با چک مورخ ۳ دسامبر (۱۲ آذر ماه) به بانک ملی ارائه شود. لیکن دلایل و مدارک مربوط به اینکه چه اسنادی واقعاً "توسط مشاور به بانک ارائه شده" کافی نیست. بنابراین، دیوان نمیتواند نتیجه بگیرد که برگشت این دو چک خلاف بوده است.

بالاخره، لازمست اقدامات و مساعی بعدی وزارت جهت رعایت الزامات بانک برای معرفی امضای آقای لبر مورد بررسی قرار دهیم. بر طبق راهنمایی مشاور که درباره این موضوع با بانک مذاکره می کرد، وزارت کارتها سفیدی جهت امضا به دست آورد که بعداً "توسط آقای لبر

امضاء شد. سپس ها رزا به یکی از مقامات شعبه نیویورک بانک ملی مراجعه نمود و مقام مزبور دستورات ویژه ای در مورد اینکه چه اقداماتی برای معرفی امضای آقای لبراز طریق بانک دارنده حساب ها رزا در شیکاگو باید برداشته شود، داد. ها رزا این دستورات را به طور کامل رعایت و مدارک لازم را به بانک ملی ارسال نمود. متعاقباً "ها رزا از طریق مشاور ایرانی خود اطلاع یافت که این اقدامات از نظر مقامات بانک ملی کافی نبوده و طبق تقاضای تازه ایشان امضای آقای لبرمی باستی به تصدیق کنسولگری ایران برسد. اندکی پس از آن کلیه کنسولگریهای ایران در ایالات متحده بسته شد و خواهان مساعی خود را برای استفاده از حساب بانکی ملی متوقف ساخت، گوا اینکه مذاکرات بین مشاور و بانک برای چند ماه بدون نتیجه ادامه یافت.

در این رابطه باید در نظر داشت که مراسلات و کیل خواهان از تهران حاکی از اعتقاد مستمری بر این است که مشکلات موجود در استفاده از حساب، قابل حل و شرایط مورد تقاضای بانک جهت تأیید امضای آقای لبرحتی در اوضاع و احوال بحرانی موجود در اواخر ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ (۱۳۵۹-۱۳۵۸) که مسافرت نمایندگان خواهان به ایران، اگر نه غیر ممکن، لاقلاً مشکل، و کنسولگریهای ایران در ایالات متحده بسته بود، قابل تحقق است.

علت عدم پیگیری خواهان در اقدام استفاده از حسابش، از بعد از بهار ۱۹۸۰ (بهار ۱۳۵۹) در مدارک و سوابق منعکس نیست، لیکن این عدم پیگیری بر این طرز فکر استوار بود که حساب از طریق مداخله غیرموجه در استفاده از آن، "ضبط گردیده"، مطلبی که در تأیید آن دلیلی ارائه نشده است. هر دو طرفه در با لاذکر شد، خواهان ادعا کرده و نشان نداده است که در اثر نگول بنا حق چک حاوی امضای پای بیج متضرر شده است. بنا بر این ما معتقدیم که ادعای مربوط به بانک ملی، به علت فقدان دلیل باید مردود شناخته شود.

#### قسمت پنجم - ادعای مربوط به بانک تجارت

ادله و مدارک مربوط به حساب ها رزا در بانک تجارت از مدارک تسلیمی در رابطه با حساب بانک ملی کا ملا" متفاوت است. ها رزا اقدامی جهت برداشت از حساب بانک تجارت به عمل نیاورده، لیکن استدلال می کند که تجربه وی با بانک ملی نشان می دهد که در صورت چنین اقدامی با همان شیوه مداخله مواجه می شد.

استدلال خواهان به طور ضمنی حاکی از این ادعاست که بانک ملی در مانعت از دسترسی وی به وجوهش، بر طبق خط مشی سیاست کلی دولت عمل کرده است. معهداً، خواهان هیچگونه

مدرک و دلیل مستقیم و یا قرائن و شواهدی که حاکی از یک چنین سیاست و خط و مشی کلی باشد، ارائه ندهد است. فی الواقع، به طوری که در بالا ملاحظه شد، بانک ملی در دفاع از طرز عمل خود، به هیچ قانون یا خط مشی که متضمن یک هدف عمومی باشد، اشاره نکرده است.

بنا علیهذا، تا آنجا که ادعای مربوط به بانک تجارت بر مبنای هرگونه مداخله توسط بانک در حقوق ها رزایا بر مبنای یک خط مشی وسیعتر دولتی استوار باشد یا بیده جهت فقد دلیل رد شود. بعلاوه به طوریکه در فوق اشاره رفت، صرف حق پرداخت از یک حساب بانکی، یک ادعای "پایرجا" در محدوده مفهوم بیانیته حل و فصل ادعاها به شما رهنمی آید. بنا براین، تا آنجا که ادعا مبتنی بر چنین حقی باشد، در حیطه صلاحیت دیوان داور می گنجد.

#### قسمت ششم - ادعای متقابل بانک تجارت

تا آنجا که رد ادعای مربوط به بانک تجارت مبتنی بر دلایل مربوط به صلاحیت است، ادعای متقابل بانک تجارت نیز باید مردود شناخته شود. بعلاوه، عدم صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل دلیل دیگری هم دارد. بند ۱ ماده دو بیانیته حل و فصل ادعاها قابل سه صلاحیت نسبت به "هر ادعای متقابل ناشیه از همان قرارداد، معامله یا رویدادی، است که مبنای ادعای آن تبعه را تشکیل داده باشد....."

اعتبارنامه های موضوع ادعای متقابل بانک تجارت شامل تعهدات "نزد درن تراست کامپنی" شیکاگو، ایلینوی، در برابر بانک اعتبارات است. ادعای ها رزایا در این پرونده در مورد بانک تجارت به علت ممانعت بدون دلیل از استفا ده از حساب بانک مفتوحه در بانک ایرانیا ن بوده است. بر حسب ظاهر، هیچگونه رابطه ای بین موضوع ادعا و موضوع ادعای متقابل وجود ندارد. خواننده نیز هیچگونه دلیل و منطقی حاکی از وجود ارتباط بین قرارداد (اعتبارنامه) مبنای ادعای متقابل و رویداد مبنای ادعا (ضبط ادعای حساب بانکی) ابراز نداشته است.

اعتبارنامه یک سند مالی است حاوی الزامات و تعهداتی جدا و مستقل از معامله ای که آن سند از شروط آن است. بعلاوه، حتی اگر به و راه خود اعتبارات توجه کنیم، ملاحظه می کنیم که معامله اصلی بین ها رزایا اینترنشنال و سا زمان آب و برق خوزستان هیچگونه ارتباطی با تعهد پرداخت از حسابهای بانکی ندارد.

لذا، از آنجا که موضوع ادعا و ادعای متقابل از هم متمایزند، دیوان داور می برای این نظر است که به همین دلیل داری صلاحیت رسیدگی نسبت به ادعای متقابل بانک تجارت نمی باشد.

قسمت هفتم - هزینه های داوری

برطبق بند ۱ و ۲ ماده ۴۰ مقررات موقت دیوان داوری، و با توجه به اوضاع و احوال پرونده، از جمله رد ادعای متقابل، تصمیم دیوان داوری بر اینست که هزینه های داوری هر طرف در این پرونده بر عهده خود آن طرف خواهد بود.

بنا به دلایل مذکور در فوق،

دیوان به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید:

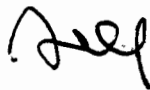
بدینوسیله ادعاها را زانجینیرینگ کامپنی در مورد بانک ملی ایران رد می شود.

ادعای ها را زانجینیرینگ کامپنی در مورد بانک تجارت بدینوسیله رد می شود.

ادعای متقابل بانک تجارت بدینوسیله رد می شود.

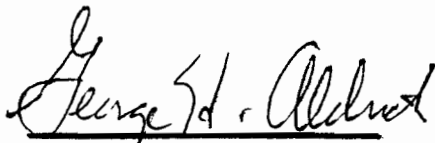
لا اله،

به تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۲ برابر با ۱۰/۹/۱۳۶۱



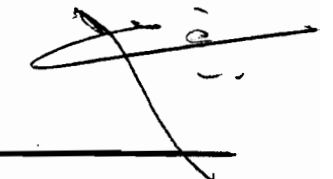
پییر بله

رئیس شعبه دو



جورج اچ. الدریدج

به نام خدا  
بالتسبیح والحمد لله



شفیع شفیع